

حوادث۱۹جاذبه

تلنگر

ادعای کودک‌ربایی

برای پیدا کردن يك سگ

دو مرد پژو سوار با ربودن يك قلاده سگ گران قیمت، صاحب آن را که زن میانسالی بود تا يك قدمی مرگ پیش بردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته زن میانسالی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از دو مرد پژوسوار به اتهام ربودن پسر شش ساله‌اش، سرقت گوشی تلفن همراه وی و ضرب و جرح شکایت کرد. شاکی درباره روز حادثه گفت: کارشناس پوست و مو هستم و دفتر کارم در یکی از محله‌های غرب تهران است. هنگام عصر و با پایان یافتن کارم همراه پسر شش ساله‌ام بیرون آمدم تا به خانه با پژو برویم. اما بعد از طی مسافت کوتاهی دو مرد که سرنشینان خودروی پژو ۲۶ بودند، راهمان را سد کردند و با زور و تهدید چاقو و زخمی کردن من، پسر شش ساله‌ام را ربودند و منواری شدند. برای نجات پسرمر خود را از شیشه خودروی آن دو آدم رب‌آویزان کردم تا مانع فرارشان شوم که راننده خودرو به سرعت ادامه مسیر داد و مدام مرا به این سمت و آن سمت پرت می‌کرد تا من دستانم را از شیشه جدا کنم. راننده ۱۵ متر مرا روی زمین کشید و به‌شدت آسیب دیدم و سرانجام مرا محکم به خودرویی که در مجاورتش در حرکت بود زد و من به کناری افتادم. آنها پسرمر را ربودند. کیفم را به کناری انداختند و گوشی تلفن همراهی که در آن بود را زدندیدند.

شاکی ادامه داد: من به‌شدت آسیب دیده و زخمی شده بودم از سوی راننده رهگذری به بیمارستان منتقل شدم و دو روز بعد مرخص شدم. در این آدم ربایی من تا يك قدمی مرگ پیش رفتم. آدم رباها برای آزادی پسرمر درخواست ۲۰میلیون تومان کردند. درخواسن در جریان تحقیقات از این زن، متوجه تناقض‌گویی او شده و دریافتند دزدان سگ او را ربوده‌اند و به دروغ ادعا کرده پسرش ربوده شده است.



با فاش شدن این ماجرا ماموران به تحقیق دوباره از این زن شاکی پرداختند که وی گفت: من تنها زندگی می‌کنم و این قلاده سگ که فینگی نام دارد را از شش سال پیش خریدم و مثل فرزند نداشته‌ام از او نگهداری کردم. سگم شاسنامه دارد. پیدایش کنید چون بعد از حادثه افسرده شدم. جست‌وجوهای پلیسی برای بازداشت دو سارق جوان به اتهام سرقت همراه با ضرب و جرح شاکی پرونده ادامه دارد.

خودکشی هوادار استقلال

جوانی اهل روستای طلحه دشتستان که چندی پیش سنگ قبرش را با نشان باشگاه استقلال ساخته بود، خودکشی کرد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، پسر ۴۰ ساله اهل روستای طلحه دشتستان که چندی پیش عکس سنگ قبری که با نشان باشگاه استقلال برای خودش ساخته بود در شبکه‌های اجتماعی دست به‌دست شد، پنجشنبه ۲۱ شهریور امسال دست به خودکشی زد.

منابع محلی می‌گویند پیش از اقدام به خودکشی با پدرش بر سر ارث دعوا کرده، بعد چند اصله نخل را سوخته و سپس خود را کشته است. او وقتی سنگ قبرش را ساخت گفته بود، اطرافیانم پرسپولیسی هستند و می‌ترسم بعد از مرگم نشان باشگاه پرسپولیس را روی سنگ قبرم بزنند. به همین خاطرنشان باشگاه استقلال را روی آن ح‌ک کنید.

تایید حکم اعدام مرد متجاوز

حکم اعدام مردی که در محیط‌های ورزشی به جوانان تجاوز می‌کرد، در دیوان عالی کشور تایید شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مزارعی، رئیس کل دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد به ایستادگفت: این مرد با اغفال جوانان و نوجوانان در محیط‌های ورزشی تعدادی از آنها را مورد تعرض جنسی قرار داده بود به‌گونه‌ای که آنها از ترس این فرد جرأت حضور در اماکن فرهنگی و ورزشی را نداشتند. متهم در دادگاه کیفری يك استان کهگیلویه و بویراحمد محکوم به اعدام محکوم شد و رأی صادره به تایید شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور رسید.



از محله‌های تهران شناسایی او با‌زداشت شد. در با‌رسی از خانه متهم تعدادی ابزار و آلات رمالی و وسایل تقلبی از جمله مهره مار کشف شد. مرد رمال اعتراف کرد مدتی است با فردی در تایلند آشنا شده و پول‌های دریافتی از راه کلاهبرداری را به حساب بانکی آن فرد واریز و بعد او این پول را به‌ از تبدیل و به حسابش واریز کرده است.



محبوسان داشت تبدیل به ناامیدی می‌شد. بالاخره ساعت حدود ۷ شب اولین آمبولانس اورژانس اصفهان از راه رسید و تکنیسین‌ها به سختی و از لابه‌لای جمعیت خودشان راه نزدیکی چاه رساندند. مردم که انگار فرشته نجات را دیده بودند به سمت‌شان هجوم بردند. میلاد صادقی، یکی از تکنیسین‌های فوریت‌های پزشکی اصفهان می‌گوید: «جو خیلی متشنجی بود و همه می‌خواستند محبوسان را نجات دهیم. به مردم گفتیم با تجهیزات نداریم و باید صبر کنیم تا آتش‌نشانان بیایند. چند دقیقه بعد، آنها هم از راه رسیدند.»

صادقی در حال توضیح دادن به مردم بود که از دیدن صحنه‌ای ترسناک خشکش زد. کپسول‌های بزرگ اکسیژن در حال تزریق اکسیژن به چاه بوده و چند نفر بالای چاه مشغول سیگار کشیدن بودند. صادقی خوب می‌دانست اگر جرقه بسیار کوچکی به جان چاه بیفتد، چه فاجعه‌ای رخ می‌دهد؛ «اگر منفجر می‌شد، صدها کشته و مجروح روی دستمان می‌گذاشت. تزریق اکسیژن به کسانی که خودشان قادر به تنفس نبودند، هیچ فایده‌ای نداشت. در این بین، چند نفر تصمیم گرفتند وارد چاه شوند که به‌سختی جلوبشان را گرفتیم. آتش‌نشانان که آمدند، وضعیت خیلی بدتر شد. نمی‌توانستیم جمعیت را کنترل کنیم. هر چه نیروی انتظامی هشدار می‌داد، گوش مردم به‌هزار نبود.»

آتش‌نشان بعد از آماده‌کردن تجهیزاتشان، وارد چاه شدند. همه دست به دعا برداشته بودند. بغض و ترس را از می‌شد بر صدا و بشم همه دید. اولین مصدوم که بالا آمد، صادقی او را معاینه کرد. مردم روی کاپوت ماشین‌ها کوبیدند و با التماس از او خواستند تا مصدومان را نجات دهد. مصدوم هیچ علائم حیاتی نداشت و کبود شده بود. جمعیت لحظه به لحظه فشرده‌تر می‌شد و با این وضع دست صادقی و همکارش برای رسیدگی به مصدومان بسته بود. هر لحظه امکان داشت عده‌ای به داخل چاه سقوط کنند. با چند نفر از جوانان قوی‌هیکل روستا صحبت کرد تا با کمک آنها امنیت برقرار شود. زنان را جمع کردند و به داخل حیاط یکی از خانه‌ها بردند و در را روی‌شان بستند. سپس دور تا دور آمبولانس و چاه را طناب کشیدند تا صادقی و همکارانش به مصدومان رسیدگی کنند. هر مصدومی که بالا می‌آمد، تکنیسین‌های اورژانس به‌دقت او را معاینه می‌کردند. صادقی میان امید و ناامیدی، دنبال علائم حیاتی بود، اما دریغ از نشانه‌ای برای زنده بودن. عقربه‌ها ساعت ۱۱ شب را نشان می‌دادند که عملیات بالاخره تمام شد و اجساد پنج مرد توسط آمبولانس به بیمارستان‌های چمران و فارابی منتقل شد.

چند روز از حادثه می‌گذرد و آگاهی تحريم پنج مردی‌که جان‌شان را برای نجات یک‌دیگر دادند، روی دیوارها و خانه‌های روستای برسیان خوندنمایی می‌کند.

فتا از شاکیان معلوم شد آنها از چندی پیش با یک کانال تلگرامی آشنا شده‌اند که در زمینه رمالی و نوشتن نسخه‌های خوشبختی برای حل مشکلات زندگی فعالیت داشته است. بعد از اعتماد شاکیان به مرد رمال، از وی مهره مار و شرف الشمس و ... خریده‌اند اما بعد متوجه تقلبی بودن اموال شده‌اند. رد مرد رمال در خانه‌ای در یکی



حفاری، جان ۵ عضو خانواده‌ای را در عمق ۱۳ متری گرفت

چاه مرگ

پنج مرد ۲۶ تا ۵۲ ساله با هم قرار گذاشتند تا در اولین فرصت، کار حفر چاه فاضلاب جدید را شروع کنند. حادثه شوم و مرگباری، بی‌سرنه در انتظار هر پنج مرد بود. اتفاق دردناکی که نه تنها مردم روستای برسیان در شرق اصفهان، بلکه تمام مردم روستاهای اطراف، نیروی انتظامی، آتش‌نشانی و اورژانس را به برسیان کشاند تا شاهد یکی از عجیب‌ترین و غم‌نازترین حوادث زندگی‌شان باشند. خانه به چاه فاضلاب جدیدی احتیاج داشت. اصغر قدرتی با برادرش عباس و پسرانشان حسین و محمد و دامادشان، روح...، طالبی‌نیا، جای فاضلاب را کنار خانه مشخص کردند و قرار شد هر روز بعد از برگشتن از محل کار نوبتی چاه را بکنند. بهرام طبالی یکی از اقوام آنها به خبرنگار جام‌جم می‌گوید: «ساعت ۴ بعد‌ازظهر که از محل کار برمی‌گشتند، چند متر می‌کنند. تا چند روز هیچ مشکلی نبود، اما حوالی ساعت ۵ بعد‌ازظهر ۱۶ شهریور ماه، اوضاع بدجور به هم ریخت. اصلاً فکر نمی‌کردیم چنین بلایی سرمان بیاید.»

چاه مخوف

روز حادثه تمام اعضای خانواده دور چاه جمع شده بودند؛ حتی زنان و دختران و بچه‌ها. صدای بگو و بخندشان کوچه را پر کرده بود. هیچ‌کدام نمی‌دانستند تا دقایقی دیگر شاهد حادثه عجیبی خواهند بود. شوخی و خنده که تمام شد، حسین ۳۲ ساله آماده شد تا وارد چاه ۱۳ متری شود که مثل آذ‌های گرسنه دهان باز کرده و منتظر بلعیدن طعمه بود. ته چاه را نگاه کرد. ظلمانی بود مثل شب.
محمدرضا، خواهرزاده ۱۴ ساله حسین، بیلچه را به دابی‌اش داد و حسین وارد چاه شد. چند دقیقه بعد هر چه او را از بالای چاه صدا زدند، جواب نداد. نفس هیچ‌کس از ترس بالا نمی‌آمد. اصغر، پدر ۵۲ ساله حسین، بالای چاه رفت و چند بار پسرش را صدا کرد. جز سکوتی وحشتناک هیچ صدایی نیامد. زنان به گریه افتاده بودند. پدر بی‌تاب شد. تصمیم گرفت پسرش را نجات دهد. مردان سعی کردند جلوی او را بگیرند، اما کس‌ی حریفش نشد و وارد چاه شد. همه با نگرانی به چاه خیره شده بودند. چند دقیقه بعد او را صدا زدند؛ «اصغر! آقا، اصغر آقا...! هیچ صدایی از چاه نیامد. صدای گریه زنان و

کلاهبرداری مرد رمال به بهانه فروش مهره مار

مردی که به بهانه رمالی، مردم را فریب داده و بعد از کلاهبرداری از آنها، پول‌ها را به حساب مرد مقیم تایلند واریز می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، اوایل تابستان امسال افرادی با حضور در پلیس فتای تهران بزرگ ازمردی به اتهام رمالی و کلاهبرداری شکایت کردند. در جریان تحقیقات پلیس

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه خبر داد آزمون وکالت بدون پایان خدمت و مدرک کارشناسی

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه چهار ماه پس از انتصابش همراه خبرهای خوبی برای داوطلبان آزمون وکالت در جمع خبرنگاران حاضر شد. پس از یک‌سال وقفه بهداری جهرمی از برگزاری آزمون وکالت در آذر امسال خبر داد و به تشریح تسهیلاتی پرداخت که برای داوطلبان درنظر گرفته شده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، علی بهداری جهرمی درباره آزمون وکالت امسال گفت: شرط شرکت در آزمون، داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم از سربازی بود که امسال این شرط برداشته شده است البته برای دریافت پروانه وکالت در مراحل بعدی باید کارت معافیت اخذ شود. وی افزود: ارائه مدرک کارشناسی در سال‌های گذشته ضروری بود، اما امسال الزامی در مرحله آزمون ندارد. همچنین یکی دیگر از تفاوت‌های این آزمون، منابع آن است که به تفکیک هر درس اعلام شده و آرای وحدت رویه مرتبط با آن خواهد بود.

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه ادامه داد: آزمون امسال به صورت ملی برگزار می‌شود و حتی در شهرستان‌های غیرمرکز استان این آزمون امکان برگزاری دارد. داوطلبان می‌توانند تعدادی از حوزه‌های قضایی را به ترتیب اولویت خود انتخاب کنند، در حالی که سال‌های گذشته این بی‌عدالتی وجود داشت و امکان انتخاب نبود. در کانون وکلا حدود ۲۰۰ میلیون تومان برای نقل و انتقالات پرداخت می‌شد ما برای رفع این ناعدالتی بحث ملی بودن آزمون را مطرح کردیم.

بهداری جهرمی در پاسخ به پرسش خبرنگار جام‌جم در مورد ظرفیت آزمون گفت: این ظرفیت مشخص نیست و در مرحله اول کسانی که حد نصاب علمی را به دست می‌آورند به مرحله مصاحبه می‌روند. در نتیجه تعداد پروانه وکالتی که داده می‌شود مشخص نیست.

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه در پاسخ به پرسش دیگر جام‌جم در مورد تغییر لوگوی مرکز وکلا و اختلاف نظرهای پیش آمده با کانون وکلا گفت: متناسب با تغییر نام مرکز وکلا باید آرم و لوگوی مرکز نیز تغییر می‌کرد. این مرکز نه‌ادی مستقل است و ریالی از بودجه دولتی دریافت نکرده. این‌که گفته می‌شود قوه قضاییه به مامک‌هایی داشته را تکذیب می‌کنم. حدود دو ماه است در ارتباط با نماد و لوگوی مرکز بحث می‌شود، به تدریج آرم سینه نیز تغییر کرد و این موضوع نیز کاملاً داخلی است و البته تفاوت‌های زیادی هم با لوگوی کانون وکلا دارد. خبرنگار جام‌جم درباره طرح ادغام مرکز وکلا با کانون وکلا پرسید که بهداری جهرمی در پاسخ گفت: اعتبار يك وکیل در خدمت به مردم است و با همین جهتگیری خدمات را به مردم خواهیم داد و صراحتاً اعلام می‌کنم مرکز وکلا، متقاضی هیچ نوع ادغام و الحاقی نیست چرا که خدمات حقوقی و نیاز مردم به قدری است که جای کسی تنگ نمی‌شود.

اعدام قاتل شیشه‌ای در زندان

مرد شیشه‌ای که با انگیزه سرقت، همسر برادرزنش را در غرب تهران به قتل رسانده بود بعد از چهار سال از این ماجرا به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، مجاری این جنایت ۲۱ تیر ۹۴ همزمان با گزارش وقوع يك درگیری در خانه‌ای در محله تهرانسر به پلیس پایتخت فاش شد. همزمان با حضور پلیس در آنجا معلوم شد که زن ۳۹ ساله صاحبانۀ برائ‌ر اصابت چند ضربه چاقو به گلو و پهلویش زخمی شده که با انتقالش به بیمارستان او فوت شد. ماموران به تحقیق از فرزند مقتول و همسایه‌ها پرداختند که معلوم شد آنها روز حادثه مردی به نام عمو سیاحوز را دیده‌اند که همین سرخن کافی بود که ماموران به این مرد ظنن شوند. تحقیقات پلیسی نشان می‌داد که سیاحوز از سه سال پیش با خواهر شوهرمقتول ازدواج کرده است. او تحت تعقیب بود تا این‌که ۳۱ تیر همان سال هنگام تردد در بلوار حدادی شهر کرج بازداشت شد و در ادامه تحقیقات از قتل زن جوان اعتراف کرد و گفت: از چهار ماه پیش به خاطر اعتیادم دیگر کارم را ادامه ندادم و با دزدی هزینه اعتیاد و زندگی‌ام تامین می‌شد. از وضع زندگی برادرزنم با خبربومد و تصمیم به سرقت طلاهای همسر او گرفتم. آن روز او خانه نبود و پسرش در خیابان بازی می‌کرد که رنگ خانه‌شان را زدم. آن زن به گمان این‌که فرزندش است در را باز کرد و من وارد ساختمان شدم. همین‌که خواستم وارد خانه‌اش شوم مرا دید و مانع شد که او را هل دادم. در این درگیری او را به قتل رسانده و با ناگامی در سرعت طلاهایش فرار کردم. بعد از گذشت چهار سال از این جنایت مرد اعدامی در زندان رجایی شهر کرج به دار مجازات آویخته شد.



مرگ مشکوک در قمارخانه

کسی که مورد بازجویی قرار گرفت سیروس بود که دوست صمیمی اش شب حادثه را در خانه او گذرانده بود. نفر بعدی که ماموران به او مظنون شدند پدر سیروس بود که شب حادثه را در کنار دو جوان سپری کرده بود. به دنبال آن، تحقیقات محلی حکایت از آن داشت که خیلی شب‌ها جوان‌های محل در خانه سیروس جمع می‌شوند و بازی و شرط‌بندی می‌کنند. متهمان در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرده و اظهار کردند به دلیل اختلاف مالی با مجتبی، او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

در دادگاه چه گذشت؟

مادر پیر مجتبی پشت در شعبه چهارم دادگاه کیفری يك استان تهران نشسته و منتظر است محاکمه متهمان